

این نظرات را در چنین عملی بیازمایند . سپس باید بار دیگر نظرات توده‌ها را بصورت فشرده‌ای در آورد و دوباره بمیان توده‌ها رفت تا آنکه این نظرات بتوانند پیگیرانه تحقق یابند . و بدینسان مکرر در مکرر این پروسه در يك حرکت مارپیچی تا بی‌نهایت ادامه مییابد و هر بار این نظرات صحیح‌تر ، زنده‌تر و غنی‌تر میگردند . چنین است تئوری مارکسیستی شناخت .

۵ - اندیشه برقراری رابطه درست بین گروه رهبری و توده‌های وسیع در يك سازمان و یا در يك مبارزه ، این اندیشه که نظرات صحیح رهبری فقط میتواند طبق اصل "از توده‌ها ، به توده‌ها" حاصل شود و باز این اندیشه که دعوت همگانی هنگامیکه نظرات رهبری بخواهد بمرحله عمل در آید ، باید با رهنمودهای مشخص پیوند یابد - تمام این اندیشه‌ها باید برای اصلاح نظرات نادرست کادرها در مورد این مسایل در جریان جنبش کنونی اصلاح سبک کار در همه جا تبلیغ شود . بسیاری از رفقا برای گردهم آئی فعالین بخاطر تشکیل يك هسته رهبری اهمیتی قایل نیستند و یا در اینکار ورزیدگی ندارند ؛ آنها اهمیت پیوند نزدیک این هسته رهبری را با توده‌های وسیع درك نمیکنند و یا در اینکار مهارتی ندارند ؛ از اینروست که رهبری دچار بوروکراتیسم میشود و از توده‌ها جدا میگردد . بسیاری از رفقا اهمیت جمع‌بندی تجارب مبارزه توده‌ای را نمیفهمند و یا در اینکار ورزیدگی ندارند ، ولی بعکس فکر میکنند که خود خیلی زرنگ‌اند و علاقه زیادی بانظهار نظرات سوپراکتیویستی خویش نشان میدهند و بدین ترتیب نظراتشان پوچ و توخالی میشود و از واقعیت بدور می‌افتد . بسیاری از رفقا در اجرای وظایف فقط بدعوت همگانی اکتفا میکنند و اهمیت اینرا نمیفهمند و یا بلد نیستند که بلافاصله پس از دعوت

همگانی باید رهنمودهای مشخص و ویژه هم بدهند ؛ بدین جهت دعوتشان بر روی لب و یا بر روی کاغذ و یا در سالن کنفرانس باقی می ماند و امر رهبری آنها دچار بوروکراتیسم می گردد . در جنبش کنونی اصلاح سبک کار باید این نقایص برطرف گردد و در آموزش خود ، در نظارت بر کارها و در بررسی تاریخچه کادرها شیوه های درآمیختن رهبری با توده ها و پیوند عام با خاص فرا گرفته گردد و در تمام کارهای آتی بکار برده شود .

۶ - نظرات توده ها را جمع کردن و بشکلی فشرده در آوردن ، سپس بمیان توده رفتن و باین نظرات بطور پیگیر تحقق بخشیدن و از این طریق نظرات صحیح رهبری را شکل دادن - چنین است اسلوب اساسی رهبری . در پروسه تمرکز نظرات و اجرای پیگیر آنها باید از شیوه پیوند دعوت همگانی با رهنمودهای مشخص استفاده شود ؛ این بخش لاینفکی از اسلوب اساسی رهبری است . باید نظرات عمومی ( دعوت همگانی ) مستخرجه از رهنمودهای مشخص را که در موارد مختلف داده میشود ، فرسول بندی کرد و آنها را در واحدهای مختلف مورد آزمایش قرار داد ( نه فقط باید در مورد خود چنین عمل کرد بلکه باید آنرا بدیگران نیز توصیه نمود ) ؛ سپس تجارب نوین را بصورت فشرده در آورد ( جمع بندی کرد ) و از آن برای رهنمائی عمومی توده ها رهنمودهای جدیدی بیرون کشید . رفقا باید در جنبش کنونی اصلاح سبک کار و همچنین در هر کار دیگری چنین عمل کنند . در استفاده از چنین اسلوبی هر چه ورزیدگی و مهارت بیشتر باشد ، کار رهبری بهتر میشود .

۷ - وقتیکه وظیفه ای بیک واحد تابع ( چه در مورد جنگ انقلابی ، کار تولیدی یا تربیتی ؛ و چه در مورد جنبش اصلاح سبک کار ، نظارت بر کار ، و یا بررسی تاریخچه کادرها ؛ و چه در مورد کار تبلیغاتی ، کار

سازمانی ، کار ضد جاسوسی و یا کارهای دیگر) ارجاع میشود ، ارگان فوقانی رهبری و شعبات آن باید در تمام موارد از طریق رهبر ارگان مربوطه پائینی عمل کنند تا آنکه این رهبر بتواند عهده‌دار مسئولیت باشد ؛ از این طریق است که تقسیم کار و رهبری واحد ( تمرکز ) بدست میاید . شعبات بالا نباید فقط مستقیماً با شعبات قرینه خود در پائین مرادده کنند ( مثلاً ، يك شعبه بالاتر که مشغول امور سازمانی ، تبلیغاتی و یا ضد جاسوسی است ، نباید فقط مستقیماً با شعبه قرینه خود در پائین رابطه داشته باشد ) و بدین ترتیب مسئول کل ارگان پائین ( دبیر ، صدر ، رئیس ، رئیس مدرسه و غیره ) را بدون اطلاع بگذارد و وی را عملاً بدون مسئولیت نماید . مسئول کل و مسئول جزء باید مطلع و در واقع مسئول باشند . چنین شیوه متمرکز ، یعنی پیوند تقسیم کار با رهبری واحد ، امکان میدهد که وظایف مشخص بوسیله مسئول کل که تعداد زیادی از کادرها و حتی گاهی تمام کارمندان را بسیج میکند ، انجام یابند و از این طریق کمبود کادرها در شعبات جداگانه برطرف گردد و تعداد قابل توجهی از افرادی که سرگرم آن کارند ، بصورت کادرهای فعال درآیند . این نیز طریقی است برای درآسیختن رهبری با توده‌ها . بعنوان نمونه ، بررسی تاریخچه کادرها را در نظر بگیرید . چنانچه این کار بطور انفرادی ، در شعبه تشکیلاتی مربوطه بوسیله چند نفر انجام یابد ، مسلماً بخوبی انجام نخواهد یافت ؛ اما اگر آنکار از طریق صدر اداری يك ارگان یا آموزشگاه که بسیاری یا حتی گاهی تمام کارمندان و دانشجویان را برای شرکت در این کار بسیج کرده‌است ، انجام گیرد و در عین حال اعضای رهبری شعبه تشکیلاتی بالاتر اینکار را بطور صحیح راهنمایی کنند و از اصل پیوند رهبری با توده‌ها نیز استفاده نمایند ، آنوقت بدون شك و تردید وظیفه بررسی تاریخچه

کادرها بنحو رضایتبخشی انجام خواهد گرفت .

۸ - در يك محل نمیتواند در عین حال چند وظیفه مرکزی وجود داشته باشد . در يك زمان معین فقط يك وظیفه مرکزی وجود دارد که با وظایف درجه دوم و سوم تکمیل میشود . از اینرو مسئول كل يك محل باید با توجه بتاریخچه و وضع مبارزه محل خود ، وظایف مختلف را بطور مناسب تنظیم کند ؛ او نباید هر دستوری را که از سازمان بالاتر میاید ، بدون اینکه برنامه شخصی داشته باشد ، بمرحله اجرا گذارد و بدین ترتیب يك سری " وظایف مرکزی " بیافریند و موجب اغتشاش و بی نظمی اوضاع گردد . يك ارگان بالاتر نباید در يك زمان وظایف متعددی را بدون اینکه درجه اهمیت نسبی و فوریت آنها مشخص کند و یا بدون اینکه تعیین کند کداميك از آنها مرکزی است ، به ارگان پائین تر محول کند ، چه در غیر اینصورت ارگان پائین تر در ترتیب کار خود دچار بی نظمی و سردرگمی میشود و بدینسان نتیجه مطلوب هم بدست نخواهد آمد . این نوعی از هنر رهبری است که طبق شرایط تاریخی و وضع موجود هر محل و همچنین با توجه بوضع عمومی ، برای هر دوره وظیفه مرکزی و ترتیب اجرای وظایف مختلف را بدرستی تعیین کند و سپس تصمیم متخذه را پیگیرانه بمرحله عمل در آورد تا بتواند تحت هر شرایطی بتایج پیش بینی شده دست یابد . این نیز مسئله ای مربوط بشیوه رهبری است که باید هنگام بکار بردن اصل پیوند رهبری با توده ها و پیوند عام با خاص ، در حل آن دقت کافی مبذول گردد .

۹ - در اینجا جزئیات مسائل مربوط به شیوه های رهبری مورد بحث نیست ؛ امید است که رفقا در محلهای مختلف بر اساس اصول فوق الذکر شخصاً باید بجزئیات بیاندیشند و نیروی خلاق خود را تکامل بخشند .

مبارزه هر اندازه که سختتر میشود، برای کمونیستها احتیاج به درآمیختن اسر رهبری با خواستهای توده‌های وسیع مردم و همچنین پیوند نزدیک دعوت‌های همگنی با رهنمودهای مشخص برای محو کاسل شیوه‌های رهبری ذهنی و بوروکراتیک نیز افزونتر میشود. تمام رفقای رهبری حزب ما باید همواره با اتکاء بشیوه‌های رهبری علمی و مارکسیستی در مقابل شیوه‌های رهبری ذهنی و بوروکراتیک بپاخیزند و بکمک شیوه اولی شیوه دوم رهبری را از میان بردارند. سوژکتیویستها و بوروکراتها که اصل پیوند رهبری با توده‌ها و عام با خاص را نمیفهمند، سخت مانع پیشرفت کار حزبی میگردند. برای مبارزه با شیوه‌های رهبری ذهنی و بوروکراتیک باید شیوه‌های رهبری علمی و مارکسیستی را بطور وسیع و عمیق بسط و توسعه داد.

### یادداشتها

- ۱ - کمیته حزبی ولایتی ارگان رهبری حزب است که درجه‌اش از کمیته حزبی استانی یا منطقه‌ای پائینتر و از کمیته حزبی شهرستانی بالاتر است. - مترجم
- ۲ - رجوع شود به استالین: «در باره دورنمای حزب کمونیست آلمان و مسئله بلشویکی کردن».
- ۳ - رجوع شود به پایان سخن گورکی دیسترف در هفتمین کنگره کمیترون تحت عنوان «برای وحدت طبقه کارگر علیه فاشیسم»، قسمت ۷ «در باره کادرها».

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

## پرسش‌هایی از گویندگان

( ۱۲ ژوئیه ۱۹۴۳ )

از ماه گذشته در اردوی مقاومت ضد ژاپنی در چین واقعه‌ای غیر عادی و حیرت‌انگیز روی داده‌است : ارگان‌های متعددی که تحت رهبری گویندگان اند - ارگانهای حزب ، دولت و ارتش - به نبرد تخریب بر ضد وحدت و مقاومت دست زده‌اند . این نبرد که زیر پرچم مبارزه با حزب کمونیست صورت میگیرد در واقع بر ضد ملت چین و بر ضد خلق چین متوجه است .

نخست بارتش‌های گویندگان نظر افکنیم . از کلیه ارتش‌های کشور که تحت فرمان گویندگان اند لااقل سه ارتش از نیروهای عمده وی در شمال غربی مستقر شده‌اند ، یعنی ارتش‌های ۳۴ ، ۳۷ ، ۳۸ تحت فرمان حو زون نان معاون فرماندهی منطقه جنگی هشتم . در حالی که فقط یکی از این ارتش‌ها در برابر ژاپن تجاوزکار بدفاع از رودخانه زرد ، از ای چوان تا تون گوان ، گماشته شده‌است دو ارتش دیگر در محاصره منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا بکار افتاده‌اند . این محاصره بیش از چهار سال است که ادامه دارد و تا وقتی که تصادمات

---

متن حاضر سرمقاله‌ای است که رفیق مائو تسه دون برای روزنامه یین ان موسوم به « جیه فان ژیبائو » نوشته است .

مسلحانه روی نداده بود همه بان خو گرفته بودند . اما از چند روز باین طرف تغییری بیرون از انتظار روی داده است : از سه سپاه - ۱ ، ۱۶ ، ۹ . - که مأمور دفاع از رودخانه زرد بودند سپاه یکم به منطقه بین جو - چون هوا و سپاه نودم به منطقه لوه چون انتقال یافته است ، و این دو سپاه مجدانه بتدارك حمله بر منطقه مرزی مشغول اند ؛ باین طریق بزرگترین بخش خط دفاعی رودخانه در برابر مهاجمین ژاپنی تنگ شده است . نمیتوان از طرح این پرسش خودداری کرد : واقعاً مناسبات میان

این گویندانی ها و ژاپنی ها چیست ؟

هر روز عده ای از گویندانی ها بتبلیغ بی لگام بر ضد حزب کمونیست میپردازند و مدعی میشوند که وی "در مقاومت تخریب میکند" و "در وحدت تخریب میکند" . ولی آیا میتوان گفت که بیرون کشیدن قسمت بزرگ نیروها از خط دفاعی رودخانه ، تحکیم مقاومت است ؟ و یا اینکه حمله بر منطقه مرزی ، تحکیم وحدت است ؟

ما میخواهیم از این گویندانی ها که چنین رفتاری دارند پرسیم : شما در موقعی که ژاپنی ها هنوز روبرویتان ایستاده اند پشت بانها می کنید پس اگر آنها پشت سر شما به پیشروی بپردازند چه خواهید کرد ؟

چگونه است که پس از آنکه شما بخش وسیعی از دفاع رودخانه را رها کرده اید ژاپنی ها همچنان آرام در ساحل دیگر رودخانه بنظاره شما ادامه می دهند بدون آنکه از جا تکان بخورند و بان قانع اند که با دوربین های خویش مراقب شما باشند و از دور شدن سیاهی شما سرور گردند ؟ چرا اینقدر دلشان میخواهد پشت شما را به بینند ؟ و چرا شما پس از اینکه دفاع رودخانه را رها کرده و بخش وسیعی را تنگ ساخته اید احساس هیچ نگرانی ندارید ؟



در جاسعه مبتنی بر مالکیت خصوصی ، قاعده بر آن است که درها را پیش از خوابیدن هنگام شب کلون بی‌کنند . همه میدانند که این کار بیهوده‌ای نیست بلکه احتیاطی در برابر دزدهاست . اینک شما که در را چهارطاق باز میگذارید آیا از دزدان نمیترسید ؟ و چرا حالا که این در بکلی باز است دزدان بدرون نمی‌آیند ؟

بعقیده شما در چین ، حزب کمونیست و فقط او ، ”در مقاومت تخریب میکند“ و حال آنکه شما هرگز از یاد نمیبرید که ”ملت را بالای همه“ بگذارید . ولی آنگاه که پشت بدشمن میکنید چه چیز را ”بالای همه“ میگذارید ؟

بعقیده شما بازهم حزب کمونیست است که ”در وحدت تخریب میکند“ و حال آنکه شما هواداران پرشور ”وحدت صمیمانه“ هستید . ولی آنگاه که شما نیروهای عظیم سه ارتش ( منهای یک سپاه ) را که به توپخانه سنگین مجهز است و سر نیزه بدست پیش می‌رود بر سر اهالی منطقه مرزی میریزید آیا میتوان از ”وحدت صمیمانه“ سخن گفت ؟ و نیز بموجب یکی دیگر از دعاوی شما ، آنچه شما مشتاقانه خواهانید وحدت نیست بلکه ”توحید“ است . و از اینجهت میخواهید منطقه مرزی را براندازید ، آنچه را که ”تیول فتودالی“ مینامید از بین ببرید و همه کمونیستها را نابود سازید . بسیار خوب ، ولی در این صورت چرا نمیترسید از اینکه ژاپنیها ملت چین را و شما را هم بعلاوه آن ”توحید بخشند“ ؟

اگر فرض کنیم که این شما هستید که کاملاً به ”توحید“ منطقه مرزی موفق شده و حزب کمونیست را برانداخته‌اید و ژاپنیها در اثر ”شربتی خواب‌آور“ از هوش رفته و یا در اثر ”عبارتی جادوانه“ ، از

اختراعات شما ، سنگ شده و برجا مانده‌اند - و باین طریق ملت و خود شما از "توحید" آنها رسته‌اید - در آن صورت آیا ، آقایان عزیز گومیندان راضی خواهید شد که اندکی از راز آن شربت و این عبارت بر ما بگشائید ؟ اما اگر شما نه "شربت خواب‌آور" و نه "عبارت جادوانه" بر ضد ژاپنیها دارید و اگر بین شما و آنها قراردادی ضمنی وجود ندارد ، در آن صورت اجازه بدهید صریحاً بشما بگوئیم : شما نباید بر منطقه مرزی حمله ور شوید ؛ شما در این کار مأذون نیستید ! " آنگاه که نوك دراز و صدف با هم درگیر میشوند ، ماهیگیر از آن بهره برمی‌دارد " ، " آنگاه که آخوندك زنجره را دنبال میکند پریشاخرخ در کمین است " - حقیقتی در این دو داستان خوابیده‌است . آنچه شما باید انجام دهید اینست که بما پیوندید تا سرزمینهای اشغالی بوسیله ژاپنیها را توحید بخشیم و شیاطین ژاپنی را برانیم . چرا شما در "توحید" منطقه مرزی که يك کف دست است اینقدر بیقرار و شتابزده هستید ؟ مناطق پهناوری از کشور زیبای ما تحت سلطه دشمن است و شما هیچ بیقراری نشان نمیدهید و شتابزدگی ندارید . برعکس ، بیقراری شما در حمله بر منطقه مرزی است و شتابزدگی شما در نابود ساختن حزب کمونیست است . این محنت‌بار است ! این شرم‌آور است !

اینك به اقدامات گومیندان پردازیم . گومیندان برای مبارزه با حزب کمونیست صدها دسته مأسوران مخفی از میان اراذل و ولگردان همه جوره گرد آورده‌است . خبرگزاری مرکزی گومیندان در روز ۶ ژوئیه ۱۹۴۳ ( سی و دومین سال جمهوری چین ) ، در آستانه ششمین سالگرد آغاز جنگ مقاومت ، خبری پخش کرد که بموجب آن گویا بعضی از "سازمانهای فرهنگی" جلسه‌ای در سی ان از استان شنسی تشکیل

داده و تصمیم گرفته‌اند تلگرافی به مائوتسه دون مخابره کنند و از وی بخواهند با استفاده از فرصتی که در اثر انحلال انترناسیونال سوم پیش آمده است حزب کمونیست چین را نیز "منحل کند" و بعلاوه "تیول منطقه مرزی را از بین ببرد". ممکن است خواننده این خبر را "تازه" بیندارد و حال آنکه در واقع افسانه‌ای کهنه‌است.

بعداً معلوم شد که همه این داستان ساخته و پرداخته یکی از دسته‌های مأموران مخفی بوده است که تعداد آنها صدهاست. این دسته به امر ستاد دوائر مخفی (یعنی "بوروی تجسّسات و آمار شورای نظامی دولت ملی" و "بوروی تجسّسات و آمار کمیته اجرائی مرکزی گویندگان") تعلیمات خود را به جان دی فی ترسکیست و خائن بملت که در اثر مقالات ضد کمونیستی خود در «مقاومت و فرهنگ» - مجله‌ای که پولش از گویندگان میرسد و اداره‌اش با خائنان بملت است - مشهور شده و اینک رئیس دائره مریبان در اردوگاه کارسی ان است ابلاغ کرده و جان دی فی روز ۱۲ ژوئن یعنی ۲۵ روز پیش از آنکه خبرگزاری مرکزی خبر بدهد نه نفر را گرد آورده و در عرض ده دقیقه متن تلگراف ادعائی را "بتصویب رسانده است".

تاکنون این تلگراف به پین ان واصل نشده ولی مضمونش از هم اکنون معلوم است. ظاهراً در آنجا ادعا کرده‌اند که چون انترناسیونال سوم منحل شده حزب کمونیست چین هم باید "منحل" شود و "مارکسیسم - لنینیسم شکست خورده‌است" و غیره.

اینست نوع سخن‌پردازی برخی از این گویندگانی‌ها! ما همیشه میدانستیم که از دهان این اشخاص (کند همجنس با همجنس پرواز) همه چیز ممکن است بیرون بیاید. و همانطور که انتظار میرفت بار دیگر

در صفته‌اند .

امروز در چین تعداد کثیری حزب سیاسی هست . حتی دو گویندگان موجود است . یکی از آنها مارك وان جین وی دارد و در نانکن و جاهای دیگر مستقر است . او هم پرچمی با "خورشید سفید بر آسمان آبی" دارد ، کمیته اجرائی مرکزی و تعداد کثیری دسته‌های مأموران مخفی دارد . به علاوه، در مناطق اشغالی در همه جا احزاب فاشیستی تابع ژاپن یافت میشود .

آقایان عزیز گویندانیها ! چگونه است که شما پس از انحلال انترناسیونال سوم فقط برای توطئه "انحلال" حزب کمونیست به چنین تلاشی افتاده‌اید ولی برای منحل ساختن احزاب خائن بملت ویا تابع ژاپن انگشت کوچک خود را هم بلند نمیکنید ؟ چرا در تلگرافی که جان دی فی بتعالیمات شما تنظیم کرده‌است شما پس از مطالبه انحلال حزب کمونیست چین ، لااقل جمله‌ای هم در این باره ننوشته‌اید که احزاب خائن بملت ویا تابع ژاپن نیز باید منحل شوند ؟ شاید بعقیده شما داشتن يك حزب کمونیست زائد است ؟ ولی در سراسر چین در برابر دو گویندگان فقط يك حزب کمونیست وجود دارد . آن حزب زائد کجاست ؟

آقایان گویندانیها ! آیا هرگز باین نکته اندیشیده‌اید که : چرا ژاپنیها و وان جین وی نیز مانند شما کمر دشمنی با حزب کمونیست بسته‌اند و اظهار سیدارند که يك حزب کمونیست هم زائد است و بنا بر این باید آنرا از پا درآورد ؟ چرا آنان عقیده دارند که تعداد گویندگان هرگز زائد نیست بلکه هیچگاه کافی نیست ؟ چرا آنان گویندگان مارك وان جین وی را تقریباً در همه جا پشتیبانی و نگهداری میکنند ؟

آقایان گویندانی‌ها ! ما زحمت این توضیح را بخاطر شما برعهده میگیریم که اگر ژاپنی‌ها و وان جین وی لطف به گویندگان و سه اصل خلق دارند برای آن است که سود خود را در آنها میپسینند . پس از جنگ جهانی اول یگانه دوره‌ای که اسپریالیستها و خائنان بملت نتوانستند گویندگان را دوست بدارند بلکه آنها دشمن میداشتند و با کلیه وسایل در افناء آن میکوشیدند دوره از ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۷ بود ، یعنی دوره‌ای که گویندگان بدست دکتر سون یاتسن تجدید سازبان یافت ، کمونیست‌ها را بدرون خود پذیرفت و بصورت اتحادی ملی بر پایه همکاری گویندگان و حزب کمونیست درآمد . و فقط در همین دوره بود که اسپریالیستها و خائنان بملت نتوانستند سه اصل خلق را آنطور که بوسیله دکتر سون یاتسن اصلاح شده و در « مانیفست نخستین کنگره ملی گویندگان » تشریح گردیده ، یعنی سه اصل انقلابی خلق را دوست بدارند بلکه بدشمنی با آنها برخاستند و با کلیه وسایل در افناء آنها کوشیدند . در دوره‌های دیگر گویندگان کمونیست‌ها را از صفوف خود دور کرد و سه اصل خلق از روح انقلابی سون یاتسن تهی شد ، و از این جهت این هر دو مورد علاقه کلیه اسپریالیستها و کلیه خائنان بملت قرار گرفتند ؛ فاشیست‌های ژاپنی و وان جین وی خائن بملت بهمین دلیل به آنها مهر میورزند ، آنها را عزیز میدارند ، از آنها پشتیبانی میکنند و بآنها مانند گنج شایگان دل بسته‌اند . سابقاً پرچم گویندگان مارک وان جین وی هنوز در گوشه چپ علامت زردی داشت که آن را از پرچم آن گویندگان دیگر مشخص میساخت . ولی امروز برای آنکه بچشم زننده نباشد این علامت را صریحاً حذف کرده‌اند و پرچم‌ها بکلی یکسان گردیده‌اند . چه محبت بی‌مشابه‌ای !

سازمانهای گومیندیان که مارک وان جین وی دارند نه فقط در مناطق اشغالی بلکه همچنین در " پشت جبهه بزرگ " لول میزنند . برخی مخفی‌اند و ستون پنجم دشمن را تشکیل میدهند . بقیه به فعالیت علنی و آشکار میپردازند . اعضای آنها بیول گومیندیان ویا دوائر مخفی آن گذران میکنند ، هیچ کاری برای مقاومت انجام نمیدهند و متخصص آنتی کمونیسم‌اند . اعضای مذکور مارک وان جین وی بر خود ندارند ولی از همان بنگاه‌اند . آنها نیز ستون پنجم دشمن را تشکیل میدهند ولی ظاهر خویش را اندکی عوض کرده‌اند تا اینکه خود را پوشیده بدانند و مردم را بفریبند .

از این پس مسئله کاسلا روشن است . وقتی که شما به جان دی فی تعلیمات داده‌اید که تلگرافی مشعر بر مطالبه " انحلال " حزب کمونیست تنظیم کند دانسته و فهمیده خواسته‌اید که در آنجا هیچ جمله‌ای نباشد که انحلال احزاب تابع ژاپن و خائن بعثت را نیز بطلبد . زیرا که شما از لحاظ ایدئولوژیک ، سیاسی و سازمانی با آنها نکات مشترک بسیاری دارید که عمده‌اش این اندیشه مشترک است : مبارزه بر ضد حزب کمونیست و بر ضد خلق .

پرسش دیگر از گومیندانی‌ها : آیا راست است که در چین و در جهان یگانه آئینی که " شکست خورده " مارکسیسم - لنینیسم است و سایر آئین‌ها در حال رونق‌اند ؟ بگذاریم از سه اصل خلق که در دست وان جین وی دگرگون شده است و ما از آن در بالا گفتگو کردیم ، بر فاشیسم هیتلر و موسولینی و هدیکی توژو چه گذشته است ؟ بر ترسکیسم جان دی فی چه گذشته است ؟ و بالاخره بر آئین‌های ضد انقلابی دوائر مخفی که با مارک‌های مختلف بر ضد انقلاب در چین فعالیت میکنند چه گذشته

است ؟

آقایان عزیز گومیندانی‌ها ! چگونه است که شما در موقعیکه به جان دی فی برای تنظیم تلگراف مذکور تعلیمات سیدادید در مورد این همه " آئین‌هایی " که ارزش آنها از طاعون ، ساس و پهن بیشتر نیست کلمه‌ای نگفتید و کمترین قیدی روا نداشتید ؟ آیا ممکن است که این زیاده‌های ضد انقلابی در نظر شما بی‌عیب و کامل باشند و فقط مارکسیسم - لنینیسم را " شکست خورده " قطعی بدانید ؟

حقیقت اینستکه شما بظن قوی با احزاب تابع ژاپن و خائن بملت همداستانید . از اینجهت است که شما " با همان دماغی تنفس میکنید " که آنها تنفس میکنند . از اینجهت است که گفتار و رفتار شما چنان به گفتار و رفتار دشمن و خائنان بملت شبیه و یکسان است که نمیتوان آنها را از یکدیگر باز شناخت . دشمن و خائنان بملت میخواستند ارتش چهارم جدید را منحل کنند و شما حکم آن را صادر کردید ؛ آنها میخواهند حزب کمونیست را منحل گردانند و شما نیز میخواهید ؛ آنها میخواهند منطقه سرزی را براندازند و شما نیز میخواهید ؛ آنها نمیخواهند شما از رودخانه زرد دفاع کنید و شما هم مواضع خود را رها میکنید ؛ آنها بر منطقه سرزی حمله‌ور میشوند ( از شش سال باین طرف سپاهیان دشمن که در طول ساحل مقابل ، روبروی خط سوی ده - می جی - جیا سیان - او بائو - چینگ جیان مستقر شده‌اند پیوسته مواضع دفاعی بحری ارتش هشتم را بمباران میکنند ) شما نیز آماده حمله میشوید ؛ آنها آنتی کمونیسم را پیشه ساخته‌اند و شما نیز چنین میکنید ؛ آنها بدشنام‌گوئی به کمونیسم و افکار لیبرال میپردازند و شما نیز میپردازید (۱) ؛ آنها کمونیستهای بازداشت شده را وامیدارند که در مطبوعات از افکار سیاسی

خویش اظهار بیزاری کنند و شما نیز چنین میکنید ؛ آنها عمال ضد انقلابی را مخفیانه بمنظور خرابکاری در صفوف حزب کمونیست ، ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید جای میدهند و شما نیز چنین میکنید . چگونه است که گفتار و رفتار شما چنان به گفتار و رفتار دشمن و خائنان بملت شبیه و یکسان است که نمیتوان آنها را از یکدیگر باز شناخت ؟ حالا که چنین است چگونه توقع دارید که کسی ظن نبرد که شما همدست دشمن و خائنان بملت هستید و با آنها قرارداد ضمنی بسته‌اید ؟

ما در خطاب به کمیته اجرائی مرکزی گویندگان رسماً چنین اعتراض میکنیم : این بسیار اشتباه‌آمیز و نپذیرفتنی است که نیروهای مهمی از خط دفاعی رودخانه بمنظور تدارك حمله بر منطقه مرزی و برانگیختن جنگ داخلی بیرون کشیده شوند . این نیز بسیار اشتباه‌آمیز و نپذیرفتنی است که خبرگزاری مرکزی شما در روز ۶ ژوئیه به پخش خبری پردازد که اخلال در وحدت است و توهین به حزب کمونیست است . هر دو اشتباه مذکور جنایت فجیعی است که هیچ فرقی با جنایات دشمن و خائنان بملت ندارد . شما موظف به ترمیم آنها هستید .

ما از آقای چانکایشک ، رئیس گویندگان ، رسماً چنین میطلبیم : به سپاهیان خون زون نان فرمان دهید که به خط دفاعی رودخانه باز گردند ، از خبرگزاری مرکزی بازخواست کنید ، جان دی فی خائن بملت را بکیفر رسانید .

ما به همه میهن پرستان حقیقی که در گویندگان اند و حاضر نیستند که سپاهیان از خط دفاعی رودخانه بمنظور حمله بر منطقه مرزی بیرون کشیده شوند و انحلال حزب کمونیست را مطالبه نمیکنند چنین خطاب میکنیم : برای جلوگیری از جنگ داخلی بعمل پردازید . ما میخواهیم



برای نجات میهن از انقیاد تا آخر با شما همکاری کنیم .  
 ما به حقانیت مطلق مطالبات خود ایمان داریم .

### یادداشتها

۱ - اشاره است به کتاب چانکایشک بنام « سرنوشت چین » که وی در آنجا با حرارت تمام بموعظه آنتی کمونیسم و مبارزه بر ضد افکار لیبرال پرداخته است .



# جنبش برای تقلیل بهره مالکانه ، افزایش تولید ، ”پشتیبانی از دولت و مهرورزی بخلق“ را در پایگاهها گسترش دهیم ( ۱ اکتبر ۱۹۴۳ )

۱ - اکنون که محصول پائیزه رسیده است ارگانهای رهبری در پایگاههای ما باید به دستگاههای حزب و دولت در کلیه مدارج برای رسیدگی باین امر مأموریت دهند که اجرای سیاست ما در مورد تقلیل بهره مالکانه در چه حال است . اسسال باید تقلیل بهره مالکانه را بدون استثناء در هر جا که هنوز جداً عملی نشده است عملی گردانیم و باید این کار را در هر جا که عمیقاً انجام نیافته است پایان رسانید . کمیته های حزبی باید بیدرنگ رهنمودهایی بر طبق سیاست ارضی کمیته مرکزی و وضع محلی صادر کنند ، و به بازرسی چند دهکده در محل بروند تا موارد نمونه را که بتواند وسیله تشویق کار در جاهای دیگر قرار گیرد بیابند . در عین حال مطبوعات باید سرمقالاتی درباره تقلیل بهره مالکانه

---

متن حاضر رهنمودی است که بوسیله رفیق مائوتسه دون از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست چین برای حزب تنظیم شده است .

و همچنین رپورتاژهایی درباره تجربه پیش‌آهنگ در این زمینه منتشر سازند. تقلیل بهره‌مالکانه مبارزه‌ایست توده‌ای که بوسیله دهقانان صورت می‌گیرد؛ حزب با رهنمودهایش و دولت با تصویب‌نامه‌هایش توده‌ها را در این مبارزه رهبری میکنند و بآنها کمک می‌رسانند و نباید تقلیل بهره‌مالکانه را بعنوان عطیه‌ای بآنها بدهند. اشتباه است اگر توده‌ها برانگیخته نشوند که تقلیل بهره‌مالکانه را با فعالیت خود عملی گردانند و این تقلیل بعنوان عطیه‌ای بآنها داده شود، و نتایج چنین کاری پایدار نخواهد بود. در طی این مبارزه باید سازمانهای دهقانی ایجاد کرد و یا در سازمانهای موجود تجدید نظر بعمل آورد. موضع دولت چنین است: وی تصویب‌نامه مربوط به تقلیل بهره‌مالکانه را اجرا میکند و منافع مالک ارضی و دهقان را جرح و تعدیل مینماید. امروزه چون پایگاههای ما کوچک شده است وظیفه حزب ما که باید با کار پرشکیب، دقیق و پیگیر خویش تمام توده‌های آنجا را جلب کند و در بد و خوب زندگی آنها شریک شود بیش‌تر از شش سال اخیر اهمیت فوری دارد. اگر پائیز اسسال بتوانیم بازرسی کنیم که سیاست ما در مورد تقلیل بهره‌مالکانه تا چه درجه اجرا شده و آنرا تمام و کمال بموقع عمل در آوریم خواهیم توانست ابتکار توده‌های دهقان را بکار اندازیم و سال آینده اسکان خواهیم یافت که مبارزه بر علیه دشمن را توسعه بخشیم و تکان جدیدی به جنبشی تولید بدهیم.

۲ - اکثریت کادرها در پایگاههای ما در پشت جبهه دشمن هنوز نمیتوانند کارکنان دستگاههای حزب و دولت، نفرات ارتش و توده‌های خلق (زن و مرد، جوان و پیر، نظامی و غیر نظامی، کارکنان بخشهای همگانی و خصوصی، و بطور خلاصه، همه مردم بدون استثناء) را به

فعالیت پر دامنه تولیدی بکشانند. در طی پائیز و زمستانی که فرا میرسد کمیته‌های حزبی، دولت و ارتش در هر پایگاه باید آماده شوند که سال آینده بتوانند جنبش وسیع تولید برپا سازند، جنبشی که در طی آن هر کس برای غلبه بر دشواریها بکار خواهد پرداخت (شعار "تأمین پوشاک و خوراک بمقیاس وسیع" جز در منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا عجزالتاً نباید مطرح گردد). این جنبش، هم در بخش همگانی و هم در بخش خصوصی، بر کشاورزی، صنعت، پیشه‌وری، حمل و نقل، دامداری و بازرگانی شامل خواهد شد، ولی تکیه باید بطور عمده بر کشاورزی باشد. باید نقشه‌ای برای هر خانوار پیش‌بینی کرد، کمک متقابل در کار را سازمان داد (بشکل "گروههای مبادله کار" (۱)، آنطور که در شنسی شمالی نامیده میشود و بشکل "دسته شخم زنی" و یا "گروه تعاونی در کار"، آنطور که سابقاً در مناطق سرخ جیان سی نامیده میشود)، قهرمانان کار را پاداش بخشید، مسابقه در تولید را سازمان داد و کثوپراتیوهائی را که برای خدمت بتوده‌ها بوجود آمده است گسترش داد. در زمینه مالی و اقتصادی، باید کارکنان دستگاههای حزب و دولت در مدارج شهرستانها و بخشها نه دهم نیروی خود را بمصرف کمک به دهقانان در افزایش تولید برسانند و يك دهم آنرا بمصرف اخذ مالیات از آنها. اگر کار اول به جدیت انجام گیرد کار دوم آسان خواهد شد. در شرایط کنونی جنگ، دستگاهها، مدارس و واحدهای ارتش همگی باید فعالانه به سبزیکاری، به خوک پروری، به جمع چوب سوخت، به ساختن زغال چوب پردازند، پیشه‌وری را توسعه دهند و قسمتی از حبوبات مورد نیاز خویش را تولید کنند. در عین حال که از اعتلاء تولید جمعی در هر واحدی اعم از بزرگ و کوچک پشتیبانی میشود

باید اشخاص را ( باستانی آنها که در ارتش اند ) تشویق کرد که در لحظات بیکاری خویش اندکی به کشاورزی و پیشه‌وری (ولی نه به بازرگانی) پردازند و درآمدهای که از این کار بدست می‌آید متعلق به خود آنها باشد. باید در جاهای مختلف درسهای هفت تا ده روزه‌ای در مورد سبزی‌کاری و خوک‌پروری ترتیب داد و درسهای هفت تا ده روزه‌ای نیز برای آشپزان گذاشت تا بتوانند خوراک جمعی را بهتر کنند. در کلیه دستگاههای حزب، دولت و ارتش باید رژیم صرف‌جویی برقرار ساخت، با اسراف مبارزه کرد و جلوی هرگونه اختلاس را گرفت. رهبران حزب، دولت و ارتش در کلیه مدارج و همچنین رهبران مدارس باید فن رهبری توده‌ها را در تولید دقیقاً فراگیرند. کسی که مسایل تولید را دقیقاً مطالعه نمی‌کند، رهبر خوبی نیست. آن سرباز و یا آن غیر نظامی که بجای پرداختن بتولید فقط به تن آسایی می‌پردازد نه جنگاور خوبی است و نه هموطن خوبی. در مناطق روستائی، کمونیست‌هایی که از تولید جدا نشده‌اند باید بدانند که یکی از شرایط سرسشق شدن برای توده‌ها سرسشق شدن در افزایش تولید است. اشتباه است اگر از این نقطه نظر محافظه‌کارانه و صرفاً مالی شروع کنیم که بجای آنکه در طی جنبش تولید به توسعه اقتصاد پردازیم یگانه راه حل را در تقلیل مخارج ببینیم. اشتباه است اگر بجای آنکه نیروی کار فراوانی را که در دستگاههای حزب، دولت و ارتش و نیز در میان مردم خوابیده است در راه جنبش توده‌ای تولید سازمان دهیم باینکه عده قلیلی از کارسندان مشغول جمع غله و مالیات، پول و آذوقه باشند اکتفا ورزیم. اشتباه است اگر بجای آنکه با تمام قوا بتوده‌ها در بسط تولید کمک برسانیم به مطالبه غله و پول از آنها قناعت کنیم ( چنانکه گوسیندان میکنند ). اشتباه است اگر

بجای آنکه جنبش همگانی توده‌های بمنظور تولید بر پا سازیم فقط چند دستگاه اقتصادی را بگماریم که عده قلیلی از اشخاص را برای این کار سازمان دهند. اشتباه است اگر ناشرافتمند و نکوهیده بدانیم که کمونیستی در خانه برای معاش خانواده‌اش کار کند ( چنانکه در مناطق روستائی اتفاق می‌افتد ) و یا در ساعات فراغت برای بهبود شرایط زندگی خویش بتولید پردازد ( چنانکه در دستگاهها و مدارس اتفاق می‌افتد ) ، و حال آنکه این فعالیت‌ها بسود انقلاب است . اشتباه است اگر اشخاص را در پایگاهها برانگیزیم که ضمن تحمل محرومیتها بمبارزه سرسختانه پردازند بدون آنکه آنها را در بسط تولید و از این طریق در بهتر کردن شرایط مادی خودشان تشویق کنیم . اشتباه است اگر کثوپراتیوها را نه بمنزله سازمانهای اقتصادی جمعی در خدمت توده‌ها بلکه بمنزله بنگاههای سودآور برفع عده محدودی از کارمندان و یا بمنزله مغازه‌هایی که از طرف دولت اداره شود در نظر بگیریم . اشتباه است اگر بیپانه اینکه شیوه‌های نمونه کار که بوسیله عده‌ای از قهرمانان کار کشاورزی در منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا اعمال میشود ( کمک متقابل در کار ، شخم زدن مکرر ، وجین کردن مستمر ، استفاده از کود بمقیاس وسیع ) در بعضی از پایگاهها قابل انطباق نیست از بکار بردن همگانی این شیوه‌ها خودداری گردد . اشتباه است اگر طی این جنبش بجای آنکه تضمین کنیم تا رهبران عمده مسئولیتهای مشخص بعهده بگیرند و شخصاً بکار پردازند ، اگر بجای آنکه گروه رهبری را با توده‌های وسیع پیوند دهیم و دعوت همگانی را با رهنمودهای مشخص و ویژه توأم سازیم ، اگر بجای آنکه تحقیق و تفحص کنیم ، وظایف را بر حسب درجه فوریت و اهمیت کار از یکدیگر جدا سازیم ، همگان را - اعم از مرد و زن ، جوان و پیر ،

و از آنجمله عناصر ولگرد - به تولید بکشانیم ، کادر تربیت کنیم و توده‌ها را آموزش دهیم ، وظایف تولید را فقط بر دوش مدیران ادارات مأمور ساختمان اقتصادی ، بر دوش رؤسای تدارکات ارتش و یا بر دوش رؤسای دوائر امور اداری جاری بیندازیم . در شرایط فعلی ، کلید توسعه تولید عبارت است از سازمان دادن نیروی کار . در هر پایگاهی ، حتی در شرایط کنونی جنگ ، میتوان و میباید نیروی کار ده‌ها هزار نفری را که در دستگاههای حزب و دولت و نیز در ارتش‌اند و صدها هزار نفر از مردم را بمنظور تولید سازمان داد ( عبارت دیگر میتوان و میباید کلیه کسانی را که کاملاً و یا قسماً توانائی دارند برحسب اصل شرکت داوطلبانه و اصل مبادله ارزش‌های مساوی ، و با اتخاذ شکل‌های زیرین سازمان داد : نقشه برای هر خانوار ، گروههای مبادله کار ، گروههای حمل و نقل ، گروههای کمک متقابل و کثوپراتیوها ) . کمونیستها باید همه این اصول و همه این شیوه‌ها را برای سازمان دادن نیروی کار فرا گیرند . تقلیل بهره‌سالکانه که امسال در پایگاههای ما در همه جا و تمام و کمال عملی شود در سال آینده موجب بسط تولید در مقیاس وسیع خواهد شد . و جنبش بزرگ تولید که در سال آینده کارکنان دستگاههای حزب و دولت ، نظامیان و غیر نظامیان - مردان و زنان ، جوانان و پیران ، همه بدون استثناء - بمنظور افزایش غلات و مواد مصرفی جاری و بمنظور تأمین مصونیت ما در برابر بلیات طبیعی در آن شرکت خواهند جست شالده مادی‌ای را که برای نگهداری پایگاههای ضد ژاپنی ما لازم است خواهند ریخت . در غیر این صورت ما با دشواریهای عظیم روبرو خواهیم شد .

۳ - برای آنکه حزب ، دولت و ارتش ، بخاطر گسترش مبارزه بر علیه دشمن و بخاطر بسط جنبش تولید در سال آینده ، با خلق وحدت



یابند ، کمیته‌های حزبی ، دستگاههای رهبری ارتش و دولت در هر پایگاه همگی بدون استثناء باید آماده شوند که سال آینده از نخستین ماه سال قمری بجنبش پرداخته توده‌ای برای " پشتیبانی از دولت و مهرورزی بخلق " و " پشتیبانی از ارتش و معاضدت با خانواده‌های رزمندگان جنگ مقاومت " دست بزنند . ارتش بار دیگر در پیشگاه همگان تعهد خود را در پشتیبانی از دولت و مهرورزی بخلق تأیید خواهد کرد . ارتش جلسات انتقاد از خود و ملاقات‌های دوستانه‌ای با اهالی ترتیب خواهد داد ( که نمایندگان دستگاههای محلی حزب و دولت در آنها شرکت خواهند جست ) ، هر خسارتی را که بر اهالی وارد شده است جبران خواهد کرد و معذرت خواهد خواست . اهالی بنوبه خود ، تحت رهبری دستگاههای محلی حزب و دولت و همچنین سازمانهای توده‌ای ، بار دیگر علناً تعهد خود را در پشتیبانی از ارتش و معاضدت با خانواده‌های رزمندگان جنگ مقاومت تجدید خواهند کرد و با شور و شوق باستقبال گرم از ارتش خواهند پرداخت . ارتش از یکسو و حزب و دولت از سوی دیگر در طی جنبش بخاطر " پشتیبانی از دولت و مهرورزی بخلق " و " پشتیبانی از ارتش و معاضدت با خانواده‌های رزمندگان جنگ مقاومت " کمبودها و خطاهای سال ۱۹۴۳ خود را عمیقاً مورد بررسی قرار خواهند داد و آنها را در سال ۱۹۴۴ مصممانه رفع خواهند کرد . از این بعد هر سال در نخستین ماه سال قمری باید این جنبش در همه جا برپا شود و تعهداتی که مضمون آنها تشکیل سیدهد سکرراً قرائت گردد ، چندین بار و بمقیاس وسیع بمناسبت کمبودها و خطاهای موجود در پایگاهها بانتقاد از خود علنی پرداخته شود ، مثلاً باین مناسبت : تخلفات سپاهیان نسبت به دستگاههای حزب و دولت و همچنین نسبت با اهالی ، کوتاهی

دستگاههای حزب و دولت و اهالی در امر کمک به سپاهیان ( هر طرف از خود انتقاد میکند بدون آنکه بانتقاد از دیگری پردازد ) . سپس این کمبودها و خطاها را تماماً بر طرف خواهند ساخت .

### یادداشتها

۱ - مراجعه شود به « متشکل شوید ! » ، یادداشت ۵ ، جلد حاضر .

# تفسیر در باره یازدهمین پلنوم کمیته اجرائی مرکزی گومیندان و دومین جلسه سومین شورای سیاسی ملی

( ۵ اکتبر ۱۹۴۳ )

کمیته اجرائی مرکزی گومیندان از ۶ تا ۱۳ سپتامبر یازدهمین پلنوم خود را تشکیل داد و دولت گومیندان از ۱۸ تا ۲۷ سپتامبر دومین جلسه سومین شورای سیاسی ملی را منعقد ساخت . اکنون که کلیه اسناد مربوط به این دو جلسه در دست است میتوانیم به تفسیری جامع درباره آنها پردازیم .

وضعیت بین‌المللی در آستانه تحول بزرگی است که نزدیکیش بر همه دولت‌ها محسوس است . دول اروپائی محور بر آن آگاهی یافته‌اند ، و هیتلر به سیاست نومیدانه آخرین تلاش دست زده‌است . این تغییر بطور عمده کار اتحاد شوروی است و وی هم اکنون به بهره‌داری از آن آغاز کرده است ؛ ارتش سرخ گذرگاه خود را پاك روئیده و به دینپر رسیده ، تعرض زیستائی آینده‌اش او را به سرزهای سابق شوروی و شاید هم به

---

متن حاضر سرمقاله روزنامه ین ان موسوم به « جیه فان ژیبائو » است که بوسیله رفیق مائو تمه دون نوشته شده‌است .

مرزهای جدیدی خواهد رسانید . انگلستان و آمریکا نیز میکوشند که از این تغییر سود بردارند ؛ روزولت و چرچیل منتظر تزلزل هیتلراند تا به فرانسه وارد شوند . خلاصه آنکه ماشین جنگی فاشیسم آلمان نزدیک به تلاشی است ، جنگ ضد فاشیستی در اروپا در آستانه پایان است و اتحاد شوروی در نابود ساختن فاشیسم نیروی عمده را تشکیل میدهد . محور جنگ ضد فاشیستی جهانی در اروپاست و همینکه مسئله در آنجا حل شود سرنوشت دو اردوی بزرگ جهانی - اردوی فاشیستی و اردوی ضد فاشیستی - تعیین خواهد شد . هم اکنون اسپریالیستهای ژاپنی پی برده‌اند که به بن بست رسیده‌اند و برای آنان نیز سیاست دیگری وجود ندارد جز اینکه تمام نیروی خویش را بمنظور تشنج آخرین گرد آورند . آنان در چین به " عملیات امحائی " بر علیه حزب کمونیست دست زده‌اند و میکوشند که گویندگان را به تسلیم وادارند .

گویندگانی‌ها نیز نزدیکی این تحول را حس میکنند . این دورنما آنها را هم شادمان و هم هراسان میسازد . شادمان میسازد زیرا که می‌پندارند اگر در اروپا مسئله حل شود دست انگلستان و آمریکا باز خواهد شد تا بجای آنها با ژاپن بجنگند و این امر به گویندگانی‌ها امکان خواهد داد که بدون کمترین زحمت به نانکن باز گردند . هراسان میسازد زیرا که فرو ریختن سه دولت فاشیستی در سراسر جهان موجب فرا رسیدن دوران رهائی عظیم و بی‌سابقه‌ای در تاریخ بشر خواهد گردید و آنگاه دیکتاتوری گویندگان که دیکتاتوری فاشیستی کمپرادورها و فئودال‌هاست جز جزیره کوچکی غوطه‌ور در اقیانوس پهناور آزادی و دموکراسی چیز دیگر نخواهد بود . گویندگانی‌ها از این اندیشه بخود می‌لرزند که مبادا این اقیانوس ، فاشیسم آنها را که شعارش " حزب واحد ، دکتورین واحد

و پیشوای واحد " است در خود فرو برد .

نیات گومیدانی‌ها در آغاز چنین بود : بگذاریم اتحاد شوروی بتنهائی با هیتلر بجنگد و ژاپنی‌ها را به حمله بر اتحاد شوروی برانگیزیم تا آنکه ضربات هلاک بر کشور سوسیالیسم وارد آید و یا لاقلاً صدمات سخت ببیند ؛ به انگلستان و آمریکا تلقین کنیم که از گشایش جبهه دوم یا سوم در اروپا صرف نظر کنند و تمام نیروهای خویش را به خاور منتقل سازند تا قبل از هر چیز نخست ژاپن را از پای درآورند و سپس حزب کمونیست چین را از میان بردارند . برای نیل باین هدف شرم‌آور بود که گومیندانی‌ها در آغاز فریاد برکشیدند : " اول آسیا ، بعد اروپا " و سپس بانگ زدند : " توجه مساوی به آسیا و اروپا " . در اوت گذشته وقتی که کنفرانس کبک پایان نزدیک میشد روزولت و چرچیل وزیر خارجه دولت گومیندان سون زی وین را نزد خود خواندند و چند کلمه‌ای با او سخن گفتند . گومیندانی‌ها از غایت شادی کوس و کرنا زدند : " روزولت و چرچیل نگاه خود را بسوی خاور میگردانند ، نقشه ' اول اروپا ، بعد آسیا ' تغییر یافته است " ، " کنفرانس کبک کنفرانس سه دولت بزرگ است : انگلستان ، آمریکا و چین " و غیره . ولی این آخرین تظاهر سرمستی آنان بود . از آن ببعده احوالشان اندکی عوض شده‌است . شعارهای آنها که میگفتند : " اول آسیا ، بعد اروپا " و " توجه مساوی به آسیا و اروپا " بموزه تاریخ سپرده شده‌است و ظاهراً اینک در تعبیه نقشه جدیدی هستند . ممکن است که یازدهمین پلنوم کمیته اجرائی مرکزی گومیندان و دوسین جلسه شورای سیاسی ملی که مذاکراتش را تحت نظارت گومیندان انجام داده است آغاز این نقشه جدید باشند .

یازدهمین پلنوم کمیته اجرائی مرکزی گویندگان در عین حال که خود را موافق "حل سیاسی" و "تدارك رژیم مشروطه" اعلام داشت بر علیه حزب کمونیست به اتهام مفتریانه "تخریب در مقاومت" و "به مخاطره افکندن کشور" دست زد. دوسین جلسه سوسین شورای سیاسی ملی که تحت سلطه و نظارت اکثریتی مرکب از گویندانی‌ها قرار دارد قطعنامه‌ای بر ضد حزب کمونیست تصویب کرد که بطور عمده مطابق قطعنامه پلنوم یازدهم است. بعلاوه پلنوم مذکور چانکایشک را بمنظور تحکیم دستگاه دیکتاتوری بریاست جمهوری دولت گویندگان "انتخاب کرد".

گویندانی‌ها پس از پلنوم یازدهم چه میخواهند بکنند؟ فقط سه اسکان در برابر آنهاست: ۱ - تسلیم در برابر امپریالیسم ژاپن؛ ۲ - دفع الوقت کردن و در راه سابق پا فشردن؛ ۳ - تغییر سمت سیاسی. کسانی از گویندانی‌ها که نوید از پیروزی و تسلیم طلب‌اند با پیروی از مقاصد امپریالیسم ژاپن که خواهان "کویدن حزب کمونیست و جلب گویندگان" است همچنان دنبال نیت خویش مبنی بر تسلیم طلبی هستند. اینان پیوسته در جستجوی برانگیختن جنگ داخلی ضد کمونیستی هستند که همینکه برانگیخته شد طبیعتاً هرگونه مقاومت را غیرممکن گرداند. از اینجهت فقط يك چاره برایشان باقی میماند: تسلیم طلبی. گویندگان ارتشی بالغ بر ۴۰۰,۰۰۰ تا ۵۰۰,۰۰۰ نفر در شمال غربی گرد آورده و همچنان محرمانه سپاهانی را که از جبهه‌های دیگر فرا میخواند در آنجا متمرکز میسازد. بنظر میرسد که ژنرال‌هایش دستخوش غروری شگفت هستند و میگویند: "تسخیرین ان مسئله‌ای نیست". از آنگاه که آقای چانکایشک در نطق خویش در یازدهمین پلنوم اظهار